

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ اکتوبر ۲۰۲۰

"سرخمی" خلیلزاد مقابل طالب چیست؟

پنجشنبه - ۰۸ عقرب ۱۳۹۹ - کابل: از گذشته های دور بدین سو، بین مردم افغانستان اصطلاح "سرخمی داشتن" مروج می باشد. عمدتاً تا جایی که من می دانم، این اصطلاح زمانی به ارتباط دو انسان و یا هم دو دولت به کار برده می شود، که یکطرف همه روزه بر تقاضاها، زور گوییها و اضافه خواهی هایش بیفزاید، مگر طرف دیگر با گردن پت، عذر و زاری تلاش بورزد تا ضمن اجرای آن خواستها، از طرف بخواهد که به همان اندازه قناعت بورزد. در چنین مواردی مردم دراک و چیز فهم کابل، بسیار صریح می گویند، "از فلانی نام نبرید، او بیچاره نزد ... "سرخمی دارد" و یا هم "دهن پر او [آب] است" کنایه از این که حرفی زده نمی تواند زیرا نزد وی کدام شرمندگی دارد و به مانند کسی که دهانش از آب پر باشد، نمی تواند دهن باز نماید.

وقتی اینک به مناسبات "زلمی خلیلزاد" و "طالب" نظر انداخته می شود، دیده می شود که طالب علی رغم آن که به هیچ یک از تعهداتی که با "زلمی خلیلزاد" که از امریکا نمایندگی نموده بود پایبند نمانده، یعنی نه رابطه اش را با القاعده و بقیه تروریست های خارجی قطع کرده، نه از حمله بر شهر های بزرگ خود داری نموده، نه از راه بندگان ها امتناع نموده و نه هم در خط کاهش خشونت ها در حرکت است و عکس آن همه روزه به ده ها و صد ها کشته و زخمی بر مردم افغانستان و نیروهای امنیتی دولت دست نشانده تحمیل می دارد، باز هم از "خلیلزاد" و بادارانش می خواهد که به خواسته های دیگر آنها تمکین نمایند، یعنی فرمان دهند تا بقیه زندانیان شان را دولت دست نشانده آزاد نماید، اسامی طالبان را از لیست سیاه ملل متحد خارج نمایند و امکان تشکیل حکومت موقت اسلامی جدید را فراهم سازند.

آنچه اصطلاح مورد نظر ما یعنی سرخمی خلیلزاد مقابل طالب را تداعی می نماید، سکوت مرگ خلیلزاد مقابل این خواستهاست. یعنی خلیلزاد به جای آن که آنها را به خاطر تخطی هایشان مورد مؤاخذه قرار دهد، چنان سکوت می نماید که همه بدانند وی نزد آنها سرخمی دارد. در یادداشت امروز خواهیم دید که این سرخمی چیست و از چه زمانی به وجود آمده است:

۱- سرخمی خلیلزاد نزد طالب که در واقع ادامه سرخمی خلیلزاد نزد "آی. اس. آی" است، بیش از ۴۰ سال سابقه دارد. این را می دانیم که با تجاوز سوسیال امپریالیسم روس بر افغانستان و اشغال خونبار کشور ما، پاکستان به چند شرط حاضر شد به مثابه خط مقدم نبرد علیه دولت دست نشانده روس، هست و بود خودش را در معرض قرار دهد، یکی از

آن شروط، به رسمیت شناختن استقلال کامل پاکستان در مواجهه با احزاب به اصطلاح افغان پاکستان نشین، صلاحیت ها، حدود و ثغور اختیارات و تحرکات شان بود.

"خلیلزاد" که در آن زمان نوکر نو "سیا" بود و می خواست مدارج ترقی را هر سریعتر ببیماید، زمانی که پای صحبت و تماسش با این احزاب در میان می آمد، "آی. اس. آی." را مقابل خود می دید. یک جانب تلاش برای ترقی، جانب دیگر سد "آی. اس. آی." در چنین شرایطیست که "خلیلزاد" در عین حالی که کارمند رسمی "سیا" بود و در خدمت امپریالیسم امریکا قرار داشت، به جای ایستاده ماندن مقابل سد، همکاری به سد را به بستر ترقی خود مبدل ساخته، در خدمت "آی. اس. آی." نیز قرار گرفت. کاری که در عمل باعث "سرخمی" وی نزد پاکستان و "آی. اس. آی." و غلام حلقه به گوش آنها طالب نیز گردید.

۲- با به قدرت رسیدن طالب، "خلیلزاد" به مثابه کتالیست بین عربستان سعودی، "سیا" و طالب، شروع به کار نموده، تا جایی که پسر بزرگش در "محل چرس" گفته است، میلیونها دالر در همان زمان طالب و عربستان به شخص "خلیلزاد" داده اند تا چیزی را برای خودش و بقیه را برای مقامات امریکا در دو جهت به مصرف برساند. یکی تلاش جهت شناسائی آن از جانب امریکا و دیگری جذب موافقت شرکت های نفتی در انتقال لوله گاز آسیای میانه از مناطق تحت سیطره حاکمیت طالبان. از این بابت هم "خلیلزاد" نزد طالب "سرخمی دارد" و نمی تواند علیه آنها حرفی بر زبان بیاورد.

۳- ایجاد شرکت مخفی زیر نام پسرش در همسویی و همکاری با یکی از شرکت های "ترمپ" و همچنین عربستان سعودی، جهت احیای همان پروژه انتقال نفت و گاز آسیای میانه، در ازای گرفتن میلیونها دالر، و پذیرش ریاست پسرش از جانب تمام طرفها، سرخمی دیگر است که "خلیلزاد" مقابل طالب دارد.

هموطنان گرامی!

"خلیلزاد" نه می خواهد و نه می تواند علیه طالب حرفی بزند و یا هم تلاش بورزد تا به منفعت مردم افغانستان کاری انجام دهد، زیرا با در نظر داشت این که منافع مردم افغانستان با منافع و خواسته های طالب در تضاد قرار دارد، در آنصورت طالب متضرر خواهد شد. از همین رو هیچ انسان عاقل و شرافتمندی نباید به خود اجازه دهد تا چشم امیدی نسبت به عملکرد "خلیلزاد" داشته باشد، عکس آن همه باید بکوشیم تا دولت دست نشانده به خصوص شخص "غنی احمدزی" را که در تمام موارد با "خلیلزاد" سرجوال را گرفته است، زیر فشار قرار دهیم، حتا اگر ممکن باشد علیه ورودش به افغانستان تظاهرات به راه اندازیم.

هرچند رفتن و آمدن یک نفر برای امپریالیسم زیاد مشکل ساز نمی باشد، مگر نفس حمله بر جوایس و کوتاه ساختن دست تمام آنهایی که از طریق زدوبند با دشمنان میهن و مردم ما، می خواهند بر سر نوشت ما تجارت نموده، خود و یا کسان دیگری از قماش خود را حاکم سازند، می تواند مبارزه را در مسیری قرار دهد، که راه برگشت و مانور های بیشتر برای امپریالیسم باقی نگذارد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!